

دومین مسافرت باروفا

پادشاه انگلستان را هم که یکی از جشنهای بزرگ تاریخی انگلستان است تماشا کنم باین سبب بهیرزا مهدبخان مشیرالملک وزیرمختار ایران در انگلستان نوشته استشاره کردم جواب داد زودتر خود را بلندن برسانید که بسمت نمایندگی از معارف و مطبوعات ایران در تاجگذاری پادشاه انگلستان باید حضور یابید این است که بی درنگ دو جوان را در شهر ووه که شهر آراهی است موقه گذارده روانه لندن می شوم و البته در اینوقت که فرزند خود را از خود جدا کرده در ولایت غربت تنها میگذارم برهن و او هر دو بی نهایت مؤثر است اگر چه من نظر بانسی که بدختر اول خود داشتم و مرگ ناگهانش بی نهایت بمن اثر کرد عهد کردم با اولاد خود چندان مأنوس نشوم اما از روزی که از تهران در آمدم برای اینکه این طفل از مادر جدا میشود دلتنگ نباشد با او مأنوس شدم او هم در تمام عمر از من این چنین مهربانی و الفت ندیده بود لهذا بینهایت بمن انس گرفت و در اینموقع جدائی البته پریشان خاطر است ولی چاره چیست باید ساخت و تحمل کرد بالجمله تا این وقت من هیچ تنها سفر نکرده بودم و همه وقت یک نفر لااقل بامن بود حالا که از لوزان حرکت میکنم بسوی لندن تنها هستم کمی فرانسه میدانم و میتوانم حاجتهای عادی را رفع نمایم در موقع حرکت از لوزان جمعی از شاگردان ایرانی مرا مشایعت مینمایند و اصرار میکنند مدتی در سویس بمانم و بوعده مراجعت از لندن خاطر آنها را شاد میکنم جوانان محصل ایرانی لوزان مجمعی دارند علمی و اخلاقی يك روز هم مرا بآن مجمع میبرند و در آنجا خطابهائی خوانده تکلیفات آتیه آنها را نسبت بوطن خود در آن خطابه بیان میکنم و احساس مینمایم که نصیحت های من بآنها اثر نموده است خلاصه از پاریس گذشته در گاله بکشتی نشسته بسوی لندن میروم و این دفعه سیم است که از این دریا عبور مینمایم تلاطم دریا زیاد است با صدمه بسیار بدور رسیده براه آهن نشسته يك ساعت بغروب مانده وارد لندن می شوم شهر لندن را مزین مبینم بانواع بیرقها و آرایشهای گوناگون چند کرور جمعیت برای تاجگذاری بر جمعیت شهر افزوده شده از شدت جمعیت بومی و مسافر راه عبور در اطراف خیابانها نیست از وفور و تراحم آلات نقاله مسافت اندک بزمان طولانی طی میشود باطول مدت و زحمت زیاد خود را بسفارت خانه ایران میرسانم بر سر عمارتهای

فصل هجدهم

عالی و هتلهها و تآترها و معازه ها بالوان و اشکال مختلف g r m یا m j با چراغ از هر طرف دیده میشود ژ علامت ژرژ نام پادشاه که در لاتین جرجیس بوده است و علامت رگس (Rex) که بلاتینی بمعنی پادشاه است ام علامت ماری (مریم) اسم ملکه اگرچه جمله معترضه است ولی بمناسبت این اسمها مینویسم پس از شاه شدن ژرژ و ملکه شدن ماری هرچه ژرژ نام در انگلیس بوده و هرچه ماری نام برای پادشاه ژرژ و ملکه ماری باندازه وسعت و استطاعت خود هدیه فی فرستاده اند بافتخار همنامی با پادشاه و ملکه و انگلیسها از این کارها بسیار دارند خلاصه فردای این روز روز تاجگذاری است مشیر الملك وزیر مختار ما رقعہ دعوت وزارت خارجه انگلیس را با دو بلیط برای دو روز بنام من گرفته است در اینصورت جا و مکان معینی دارم و خوب میتوانم همه جا را بیستم روز اول در یکی از غرفهای خیابان و روز دوم در مقابل عمارت سلطنتی در غرفه فی جادارم این غرفها را دوات موقه ساخته است از چوب و روی همه شله گلی گرفته اند و با پارچه سفید جای جلوس هر یک نفر را معین کرده نمره گذارده اند و هر غرفه از پنج طبقه تالیست و پنج طبقه ارتفاع دارد و در هر طبقه جای پنجاه نفر و کمتر یا زیادتر است غرفها را طوری محکم ساخته اند که گویا ابدی است و بر چیده نمیشود چوبهارا تمام تراشیده ساخته اند بلی چهار ماه با اسباب و قدرتی که دارند مشغول ساختن این مکانها و ترتیب اسباب این جشن بوده اند تا اینطور مبیا شده است خیابانهای اطراف هاید پارک را که باغ وسیعی است در وسط شهر لندن از حدود معین دروازه آهن نصب نموده اند و از هیچنیک از آندرها هیچکس را بدون بلیط نمیگذارند وارد شود پس این چند کور و خلق که شامل تماشا هستند همه بلیط و نمره معین و مکان مخصوص دارند و هر کس بجای خود قرار گرفته است اگرچه بعضی از مردم لندن از این دروازهها و دروازه بانی دلتنک شده میگویند اینکارها برای يك ملت وحشی است ملت انگلیس که دعوی تمدن و قاعده دانی مینماید لازم نداشت برای حدود تنظیمات او در و دروازه بگذارند ولی گمان میکنم که اگر این درها نبود هر قدر هم ملت تربیت شده و پالیس مقتدر بود با این ازدحام خودی و بیگانه که گویا دنیا ریخته است در این شهر دادن این ترتیب و تنظیم ممکن نمیشد بهر حال با لباس ایرانی در مکان

دومین مسافرت باروبا

خود نشسته مشغول تماشا شدم انگلیسها بیش از همه ملل يك مطلب را فهمیده‌اند آن اینست که مردم دنیا عقلشان بچشمشان است و همه ظاهرین هستند از روی این عقیده آنها هم ظاهرپرست شده فوق‌العاده بزرگی جنبه هرچیز اهمیت میدهند برای کارها اشخاص تنومند اسبهای درشت کالسکها و اتومبیلهای بزرگ قامت‌های بلند با کلاه‌های بزرگ انتخاب کرده‌اند و عظمت باطن هرچیز را بعظمت ظاهرش بدیده مردم جلوه میدهند و در این جشن و نمایش این نکته بهتر از همه وقت مشهود است خلاصه آنچه ممکن بوده از ترتیبات نظامی و غیره نمایش بدهند میدهند باجلال و جبروت کامل پادشاه ژرژ از عمارت سلطنتی حرکت کرده به کلیسای (و تمینیسترای) Wetminster وارد میشود این کلیسارا میگویند متجاوز از هزار سال است بنا شده از آثار قدیم انگلستان است و انگلیسها این مقام را بینهایت مقدس میشمارند قبور سلاطین و بزرگانشان در این کلیسا است حجاریهای خیلی قدیم ممتاز دارد اکنون در این کلیسا تشریفات بسیار بجای آورده‌اند و چنانکه گفته میشود برای هفت هزار نفر که جلوس کنند جا تهیه شده که همه بتوانند شاه و ملکه را در موقع تاجگذاری ببینند متجاوز از سه ماه طول کشیده تا این تهیه را در کلیسای مزبور دیده‌اند در مقابل محراب کلیسا بایک پرده زربفت حجایی آویخته دودر برای آن مکان معین کرده‌اند و پیش روی آن پرده فضایی است برای تاجگذاری که فرش آن يك تخته قالی بسیار اعلی کار ایران است در وسط يك پارچه سنک است که بسنک یعقوب معروف میباشد و مقدس شمرده میشود و صندلی گذارده شده روی یکی از آنها شاه و دیگری ملکه قرار گرفته دو نفر کشیش بزرگ مراسم دعا خوانی و ترتیبات مذهبی را بجای آورده پادشاه و ملکه را بحاضرین معرفی میکنند یعنی از جانب خدا خبر میدهند و باروغن مقدس سرودست و سینه پادشاه را چرب نموده شمشیر مخصوص را بکمر او مینبندند جبهه زربفت خاص را بدوش انداخته انگشتر مخصوص را بانگشت وی مینمایند باین معنی ملت و پادشاه عقد بستند و ملت خانواده و پادشاه پدر آنها و ملکه مادر آنها میباشد و شاه قسم میخورد که خیانت بملت و مملکت و مذهب ننماید آنگاه تاج سلطنت را بر سر او و بر سر ملکه میگذازند و لردهای مجلس همه تاجهای کوچک بر سر مینهند یعنی

آنها شريك سلطنت هستند آتوقت صدای شیپورها و توپهای سلام بلند میشود بعد کتاب مقدس را بیادشاه میدهند که دعا بخواند مدتی دعاهم بخواند و بعد از آن دوتخت قرار داده اند یکی از آنها يك پله بلندتر از دیگری و روی هر تخت يك صندلی نهاده شده یکی بنام شاه و دیگری بنام ملکه شاه و ملکه بروی آن صندلیها قرار میگیرند ولیعهد هم روی صندلی مخصوص خود نزدیک پدر و مادر مینشیند در فضای اطراف کلیسا برای نشستن شاهزادگان و لردها و سفرای دول معظم و قضاة بزرگ چنانکه گفته شد هفتپزار صندلی مرتب کرده اند همه با نمره معین هر کس کلیسای مزبور را ندیده باشد و ترتیب صندلی سازی اطراف آنرا از زمین تا سقف کلیسا که چندین طبقه بوده نداند از این عدد که نوشتم تعجب مینماید ولی تعجب ندارد .

بالجمله بعد از ختم کار کلیسا و خلاصی شاه و ملکه از دست خود نمائیهای رؤسای روحانی در چند ساعت شاه از کلیسا خارج شده با ملکه در کالسکه بسیار بزرگ مرتفعی سوار و با تمامی دستگاه جلال و جبروت که عمده آنها ترتیبات نظامی است و بینهایت جالب نظر میباشد از جوانان يك قد و قامت از لباسهای فاخر زربفت از اسبهای يك رنگ در نهایت شکوه و جلال از برابر نظر کرورها تماشا میگذشته برای سلطنت وارد میشوند اعیان دولت و کلای ملت بزرگان مملکت سفرای دول اجنبی همه در کالسگهای عالی سوار و بانواع زینتها مزین پشت سر کالسکه شاه و ملکه حرکت میکنند و در زمره عبور کنندگان نظامی یکدسته سوار های هندی با صاحبمنصبان آنها دیده میشود و در کالسگهای محترمین چند کالسکه راجها که زنهای جوان سبزه چهره آنها پیش روی آنها نشسته اند آنها هم بظاهر محترم هستند و مردم برای آنها دست میزدند اما بچشم من مانند اسیر آمدند و يك صفحه سیاسی بروحشت و دهشتی پیش چشم جلوه گر شد ولی گمان ندارم هزار يك این احساسات که برای من بی اختیار دست داد برای خود آنها حاصل شده باشد و بفهمند چه بوده و چه هستند و این گردش دادن آنها در جزء جلال و جبروت سلطنت بریطانی عظمی چند هزار مطلب میگوید و میفهماند که هر يك از آن مطالب برای عبرت گرفتن جمیع ملل و اقوام ضعیف دنیا يك مدرسه بزرگ است اما دیده اعتبار کو .

دومین مسافرت بااروپا

خلاصه امروز میگذرد و فردا باز شاه بهمین جلال بلکه بالاتر در شهر گردش خواهد کرد فردای آن روز جای مرا در برابر عمارت سلطنتی معین کرده‌اند در این روز بهتر و خوبتر اوضاع جلال این دولت و احساسات ملت و مردم را در دیدن دستجات نظامی و پلیس لندن که نمایش میدهند کمتر از احساساتی که در دیدن شاه و ملکه بروز میدهند نمیباشد بلی هرکس شکل و لباس و قامت و نجابت و سنگینی و متانت و مواظبت و خدمتگذاری پلیس لندن را که متجاوز از سی هزار نفر هستند دیده باشد میداند معنی پلیس چیست و چگونه پلیس حافظ و نگاهبان ملت است روز بعد مانور دریائی میدهند پادشاه و ملکه و سفرای دول و نمایندگان فوق‌العاده رفته نمایش بحری را میبینند که ما در این مقام بشرح و تفصیل آنها نمیپردازیم فقط مینویسم که این تاجگذاری که تاریخ انگلیس مثلش را نشان نمیدهد بر ابهت و عظمت انگلستان میافزاید.

فصل نوزدهم

کنگره نژادی

یکماه و کسری بانقادی کنگره باقی است من باید این مدت را در لندن بمانم تا موقع کنگره برسد و مأموریت خود را انجام بدهم دو سه روز که میگذرد مسیو- اسپله منشی مخصوص کنگره بملاقات من میآید مذاکرات بسیار میکنم بمنشی مزبور میگویم میشنوم اظهار میل میکنید از طرف دول هم نماینده رسمی بکنگره حاضر شود میگوید بلی میگویم گمان میکنم این کنگره هر قدر از رسمیت دورتر باشد بهتر بتواند کار کند در کنگره صلح لاهه اینکه نتیجه مهمی گرفته نشد بواسطه همین بود که نمایندگان رسمی در آنجا بودند و دول مظهر قهر و غلبه ملل هستند در میان آنها وقتی صلح قائم میشود که ملل با یکدیگر در صلح و سازش باشند جواب میگوید بلی کنگره صلح لاهه که نتیجه نداد سببش این بود که رشته امور بدست نمایندگان دول بود ولی اینجا رشته امور بدست خود کنگره خواهد بود و نمایندگان دول حق مداخله ندارند فقط مستمع هستند که از مطالب آگاه شوند و ما بتوانیم بتوسط آنها دول را مجبور کنیم با مقاصد صلح جویانه ما مساعدت بنمایند دیگر از ترتیب کنگره و خیالات آنها سؤال میکنم و مطلع میگردم و در همین مجلس و در ضمن این مذاکرات تا يك اندازه پی میبرم که منظور نظر مؤسسين کنگره نژادی آنطور که من از روی نوشتجات آنها تصور میگردم که فرشتگان آسمانی جمع شده اند برای غمخواری در باره ملل ضعیف عالم کار بکنند خوشبینی بوده است و این قدرها خوشبین نباید بود بشر همه چیز میگوید ولی بهر چه گفته رفتار نمیکند بشر فقط نفع خود را میطلبد و اگر در در ضمن نفع خود نفع دیگران هم بود این از روی حسن اتفاق بوده است بشر ممکن است خود را خادم نوع بخواند اما در عین حال همین لغت را برای استخدام نوع بکار میبرد بهر صورت هر چه بیشتر در جریان کار کنگره داخل میشوم میفهمم انقادی کنگره

کنگره نژادی

نژادی که مدعی است در سیاست مداخله نمیکند مگر خطوط اصلی آن از منابع سیاست آب میخورد و از تدارکهای عمیق امپراطوری انگلستان است برای جلوگیری از جنگ محتمل الوقوع که یکطرف آن آلمان سر تا پا مسلح بقویترین اسلحه‌های جنگی جدید الاختراع بایک روح جنگی انتقام جو در وجود قشون آن مملکت که نظیرش کمتر دیده شده است با متحدین او و یکطرف فرانسه در مهاد عیش و عشرت استراحت نموده مرعوب از دشمن خود آلمان و مستظمر بمساعدت روس و انگلیس و دول کوچک همجوار خود و اگر کارش بسختی کشید با استمداد از ماورای اقیانوس و دراز کردن دست التجاء بدامان امریکا بدیهی است که دنیای امروز در زیر خاکستر یک آتش سوزان پر شرری مخفی دارد که ممکن است با وزیدن یک باد سخت شعله‌ور گشته سرتاسر جهان را بسوزاند در اینصورت انگلیسیان که خود را جهانمدار مینامند و در شرق و غرب عالم مستملکات دارند با آن حس پیش بینی که در آن مملکت بیش از سایر ممالک موجود است حق دارند بتمام وسائل برای جلوگیری از اشتعال نازیه آن جنگ توسل بجویند و تشکیل کنگره نژادی هم برای آگاهی از روحیات ملل مختلف هم‌رأی و همصدا نمودن آنهاست در احتراز از رسیدن آن روز پردهشت بدست علماء و دانشمندان ملل و این عین سیاست شمرده میشود سیاستی که هر قدر هم بخواهند آنرا بیوشانند در میان سطور نوشتجات و از گوشه و کنار نمودار میگردد خلاصه بعد از چند روز رقعہ دعوتی میرسد که روز دوشنبه ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۱ دوازدهم رجب ۱۳۲۹ در وستمنستر هتل در خیابان ویکتوریا اول جلسه کنگره مرکب از نمایندگان که تاکنون حاضر شده‌اند منعقد خواهد شد روز مزبور در ساعت معین حاضر میشوم جمعی از مردم مختلف الاحوال و الاقوال بارنگها و اشکال مختلف جمعند دم در خانم اسپله پیش آمده کتابچه و مدادی در دست دارد میگوید نام خود را بنویسید و داخل شوید و چون وارد میشوند مسیواسپله معرفی میکند و بجای خود مینشینند جمعی از سیاه پوستان از آفریقا و هند و امریکا و هایتی آمده‌اند همه صاحب علم و فضل و اشخاص بزرگ لشگری و کشوری و معلمین عالی‌مقام نماینده هایتی جنرال ژنرال مسنی است دختر جوان تربیت شده بی همراه دارد از خودش سفیدتر این دختر در مدارس فرانسه تحصیل کرده نماینده تربیت

فصل نوزدهم

زنان هایتی و مترجم پدر میباشند غیر از این دختر چند نفر زن در این حوزه هستند که از نویسندگان رساله‌ها میباشند بعد از تعیین رئیس موقتی مجلس یکی از خانمها برخاسته میگوید شما میخواهید اختلاف را از میان ملل بردارید در صورتیکه اول حرف رنگ را میزنید و مسئله نژاد سیاه و سفید را بمیان می‌آورید این خود اول اختلاف است پس بهتر اینست حرف نژاد گفته نشود سخن این خانم مطرح میشود بعضی با او همراهی میکنند و بعضی مخالفت مینمایند از جمله کسانی که مخالفت میکنند دو نفر سیاه رنگ از نمایندگان آفریقا میباشند که میگویند باید کلمه نژاد در کار باشد و گر نه اگر بخواهید قناعت کنید بلفظ ملل مختلف ما جزو هیچ ملت نیستیم و اگر بخواهید فقط مسئله شرقی و غربی را بمیان بیاورید مانده اهل شرقیم و نه اهل غرب بفرض ما در این اطاق اسم سیاه سفید و نیاوریم و فرق نگذاریم چه نمر خواهد داشت در صورتیکه چندین میلیون نفوس در غیر این عقیده هستند و فرق میگذارند این مطلب بجائی نمیرسد و مقرر میگردد صورت مطالبی را که باید مطرح شود بنمایندگان بدهند در اطراف آنها دقت کنند و در مجلس بعد رأی خود را بگویند و مطالب از این قرار است آیا کنگره نژادی باید هر چند سال یکمرتبه تجدید شود یا خیر و اگر باید تجدید شود چند سال یکمرتبه باشد بهتر است و هر دفعه در کجا منعقد شود نام و وظیفه و نقش و علاقه‌اش چه باشد و آیا لازم است يك کمیته دائمی داشته باشد یا خیر در ممالک دیگر هم شعبه آن کمیته یا کمیته مرکزی کار بکنند یا خیر این سئوالات را از طرف مؤسس کنگره جواب گفته شرح داده‌اند میخواهند نظر نمایندگان را بنظریات خود جلب نمایند و خلاصه نظریات آنها اینست که هر چهار سال یکمرتبه تجدید شود و مرتبه دومش در آمریکا بوده باشد کمیته دائمی در لندن باشد و اعضایش همه انگلیسی باشند در ممالک دیگر کمیته‌هایی باشد که با کمیته مرکزی کار کنند و راجع بعملیات کنگره که برای وصول بمقصد خود چه اقدامات بکند مفیدتر خواهد بود افکار جمعی از دانشمندان را نوشته‌اند که زمینه فکر برای نمایندگان باشد که در اینجا بشرح آن مطالب نمیدانیم.

مجلس دوم روز جمعه ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۱-۱۷ رجب یکهزار و سیصد و بیست و نه-

منعقد میشود در این مجلس سید عبدالعجید هندی که سالهاست در لندن میباشد

کنگره نژادی

و معلم قرآن و شریعت در مذهب اسلامی است مترجم من است بزبان انگلیسی و شرح
ذیل را میگویم

صورت پیشنهاد من بکمیته :

تصدیق دارم کنگره باید مکرر شود اگر سه سال سه سال بشود بهتر است
چهار سال هم زیاد نیست بهتر این است هر دفعه در یکی از پنج قطعه عالم باشد باین
ترتیب اول اروپا دوم آسیا سیم امریکا چهارم افریقا پنجم استرلیا و امانا هش این نام نژادی
شبهه انداز است که کنگره برای بحث در موضوع نژادها تأسیس شده در صورتیکه
اینطور نیست پس اگر با سومی خوانده شود که این شبهه از آن تولید نشود بهتر خواهد
بود و بهر صورت مسئله نام چندان اهمیت نخواهد داشت .

و اما وظیفه اش فراهم آوردن موجبات از تبادر وابط الفت و صمیمیت مابین طوایف
و اقوام عالم و تشویق حسن موافقت برادری آنها بدیکدیگر و اینکه همه با هم رفتار
عادلانه بنمایند و هم ترویج يك خط و زبان بین المللی نباید از نظر محو بگردد .
و اما نقش و علامت همین که هست خوب است و تغییرش لازم نیست .

در جلسه دوم نمایندگان عثمانی سلیمان بستانی و رضا توفیق فیلسوف که هر دو
از فضایل نامی عثمانیند حاضر میشوند در اول مجلس پیشنهاد من خوانده میشود
و مسئله انعقاد کنگره در پنج قطعه عالم مطرح میگردد و مذاکره بطول میانجامد بیشتر
حاضرین با نظریه من موافقت میکنند و بعضی از بابت استرلیا اعتراض میکنند که
استرلیا دور است و جمعیتش کم و اجتماع در آنجا خوش نیست بعضی بحمایت نظریه
من جواب میدهند اگر بنا است کنگره عمومی باشد نمیشود استرلیا را بالمراه از نظر
انداخت خود جواب میدهم من استرلیا را آخر گزارده ام و در صورتیکه هر چهار سال
یک مرتبه کنگره منعقد شود شانزده سال طول میکشد تا آنجا برسد و تا آنوقت البته
تغییرات در اوضاع آنجا هم حاصل میگردد بهر حال این مجلس قسمت عمدتاً
بمذاکرات بر روی پیشنهاد من ختم میشود و جلسه بعد بروز سه شنبه ۱۸ ژوئیه مقرر
میگردد که در آن روز کنفرانسی داده شود از طرف پرفسور آدلر نمایندگان هم در
مسائل مطرح شده عقاید خود را بگویند و بنویسند نیکارنده هم عقاید خود را

فصل نوزدهم

در باب عملیات کنگره نوشته برای جلسه سیم حاضر نموده بشرح ذیل خوانده میشود:
اصول اختلافات ملل چند چیز است: خط و زبان اخلاق و عادات عقاید مذهبی حدود سیاسی.

اما خط و زبان البته هیچ قوم ترك خط و زبان خود را نمیگوید و بزبان قوم دیگر بگوید و بنویسد. ولی ایجاد يك خط و زبان بین المللی چنانکه پیش از ما هم بخیالش بوده اند بهتر چیزی هست که میتواند در مقابل این اختلاف بحسن رابطه ملل خدمت نماید خاصه که جزو تعلیمات اجباری مدارس عمومی هم بگردد.

اما اخلاق و عادات - این اختلاف چون بیشتر از روی اختلاف اوضاع طبیعی مملکتها و تفاوت احتیاجات است پس بزودی تغییر و تبدیل یافتن آن مشکل مینماید ولی میتوان گفت اتحاد اصول تعلیم و تربیت در مدارس ابتدائی عمومی شاید بتواند تا یکدرجه اخلاق و عادات متفاوت را هم بیکدیگر نزدیک نماید و راهش حسن موافقت دارالعلومهای ملل مختلفه است با مقاصد حسنه کنگره.

اما عقاید مذهبی - من باین اختلاف اهمیت بسیار میدهم و حسن رابطه ملل از روی اتحاد عقیده مذهبی یکی از اموری است که نقطه حصولش از نظر بسی دور است و لکن معتقد هستم که اصول مذاهب حقه بیکدیگر نزدیک است در اینصورت اگر از یکطرف ارباب مذاهب آثار مذهبی هر قوم را محترم بشمارند و از طرفی دانشمندان ملل سعی کنند مذهب خود را بحسن عمل ترویج نمایند نه بواسطه دعوات مذهبی فرستادن در سایر ملل خاصه آن دعواتی که در زیر جامه روحانیت لباس سیاست هم در بر کرده باشند در اینصورت بتدریج اثرات تفریقی اختلاف عقاید مذهبی هم در عالم حسن رابطه ملل ضعیف میگردد. و اینجا مناسب میدانم بیک مطلب خصوصی اشاره کنم و آن اینست که دین اسلام مقدس می شمارد پیغمبران گذشته و آثار مقدسه ایشان را پس اگر سایر ملل عموماً و ملل مسیحی خصوصاً نظر کنند بآئین اسلام بهمان نظر که اسلام با اصول مذهب آنها نظر مینماید شاید بسیاری از بدگمانیهای مذهبی هم از میان برود و بیشتر بدیده محبت بیکدیگر نظر نمایند.

و در ذیل این مطلب میگویم کنگره نژادی هر قدر در امور مذهبی کمتر مداخله

کنگره نژادی

کند برای پیشرفت مقاصد انسانیت پرورانه‌اش بهتر خواهد بود .

واما اختلافات سیاسی - این اختلاف هم بظاهر بررگ بنظر می‌آید زیرالزیک طرف نماینده مهر وقهر ملت‌ها و وسیله تلافی دشمنیها و دفاع از تجاوزات است و از طرفی میوه تلخ خون آلود شاخه حرص و طمع باوجود این چون چرخ این اختلاف غالباً گردش نمی‌کند مگر بواسطه انزجار خاطر ملل از یکدیگر پس همینکه سعی شد در مزید الفت مابین ملت‌ها و حسن رابطه آنها البته موجبات حصول اختلافات سیاسی هم کم میشود و صلح و صفا در میان ملل قائم میگردد .

و بدیهی است که این ملاحظه درباره ملت‌هایی که قوی و همقوه یکدیگر هستند کمتر ضرورت دارد و بیشتر رعایتش لازم است در باره ملت‌های قوی نسبت بکسانی که آنها را ضعیف می‌شمارند در اینصورت اگر تابش نور دانش تهذیب اخلاق عمومی دوستداران عالم انسانیت و گوش دادن بنصایح مشفقانه کنگره های صلح طلب یا خود عاقبت اندیشی قومندان را بر آن دارد که بادیگران رفتار عادلانه کنند و بآنها بدیده انصاف نظر نمایند البته چرخ اختلافات سیاسی هم کمتر حرکت مینماید و بتدریج صبح امید صلح جویان دمیده آفتاب سعادت بشر از افق عالم انسانیت طالع میگردد این لایحه بزبان انگلیسی در جلسه سیم کنگره خصوصی قرائت و حسن توجه مییابد. در این جلسه یکی از مؤسسين کنگره از معلمین معروف انگلیس نطق مفصلی نموده میگوید کمیته دائمی باید در لندن منعقد باشد و اعضایش همه انگلیسی بوده باشند نگارنده مخالفت کرده میگویم چون کنگره بین المللی عمومی است بهتر این است اعضای کمیته مرکزی دائمی از تمام ملل عضو کنگره و لا اقل از ملل شرقی و غربی هر دو بوده باشند جمعی از حاضرین با من همراهی می کنند هیئت اداره کننده می کوشند نگارنده را از مخالفت باز دارند حتی آنکه منشی عمومی کنگره بروی پاره کاغذی نوشته بنگارنده میدهد اگر پیشنهاد خود را تعقیب کنید باید برای همیشه از وطن دور بمانید مرادش این است که در کمیته مرکزی دائمی در اینصورت نگارنده نمایندگی ایران انتخاب می‌شوم و باید همیشه از وطن خود دور باشم جواب میدهم چه اهمیت دارد من دنیا را وطن مشترک خود میدانم جلسه باین مذاکره میگذرد

فصل نوزدهم

و پیشنهاد میشود بازده نفر که چند نفر از آنها غیر انگلیسی بوده باشند بنشینند یکصد نفر از میان تمام ملل عضو کنگره انتخاب کنند هر ملت که ده میلیون جمعیت داشته باشد یک نفر و اگر زیاده تر دارد دو نفر بعد آن یکصد نفر از میان خود عده‌ئی را برای کمیته دائمی انتخاب نمایند در اطراف این پیشنهاد مذاکرات بسیار میشود بی آنکه مختصر نتیجه گرفته شده باشد بالاخره مجبور میشوند این موضوع را از دستور خارج کرده در راپرتی که برای جلسات عمومی کنگره نوشته میشود یادداشت نمایند مسئله ملیت اعضای کمیته مرکزی دائمی بواسطه مخالفت نماینده ایران نا تمام مانده بعد از ختم کنگره در يك جلسه خصوصی تمام خواهد شد .

در این جلسه رأی میدهند يك مدرسه و يك مجله بین المللی تأسیس گردد . یکی از نمایندگان هندوستان از سادات بلگرامی رساله‌ئی در لزوم رفع حجاب زنان اسلامی نوشته تذکر میدهد که در جلسات عمومی کنگره خوانده شود ولی هیئت مدیره موکول همینمایند بتصویب نمایندگان ممالک اسلامی نمایندگان مزبور که از عثمانی و ایران و مصرند بهر ملاحظه هست صلاح نمیبینند رساله مزبور در کنگره قرائت شود بلکه فقط گفته شود فالان شخص در چنین موضوع رساله‌ئی نوشته است .

نگارش شرح مذاکرات جلسات انجمنهای خصوصی که مطالب رابرای جلسات عمومی حاضر مینموده‌اند در دفاتر کنگره ضبط است و صورت پیشنهادهای نمایندگان در انجمنهای مزبور کتابی جدا گانه است که بانگلیسی طبع و نشر شده و شاید بزبانهای دیگر هم ترجمه شده باشد رساله‌های اساسی که نویسنده هر ملت نوشته است در يك کتاب پانصد صفحه‌ئی بفرانسه و انگلیسی طبع شده بنام کتاب کنگره نژادی و باغلب زبانهای عالم آن کتاب ترجمه شده است و هم در دارالانشای کنگره تمام رساله‌ها مختصر شده هر يك بچند سطر و خلاصه‌ها در يك رساله بزبانهای مختلف طبع و نشر گشته موضوعهای مطرح شده در کنگره و صورت اعضای نویسنده و اعضای عمومی هر يك در رساله طبع و نشر شده عکس نویسندگان کتاب بزرگ پانصد صفحه‌ئی بطور کتابچه طبع گشته است نشانهای طلا و نقره و مس که روی آنها شکل کره زمین و دو شخص که که از شرق و غرب دست اتحاد بیکدیگر داده‌اند دیده میشود ساخته شده و همین

کنگره نژادی

علامت بروی تمام کاغذها و کارت پستیهای کنگره طبع شده است .

ودراین ایام نمایندگان ملل مختلف از اطراف و اکناف عالم پی در پی وارد شده بر عده اعضای انجمنهای خصوصی روز مره افزوده میشود و اسباب انعقاد جلسه های عمومی را در طالار بزرگ دارالقنون لندن مهیا میسازند .

میهمانیهای عصرانه و شبانه در باغها و خانه های اعیان و اشراف از مؤسسين و هیئت مدیره و نمایندگان ملل شروع میشود و گاهی مجالس میهمانی بایکدیگر مزاحمت میکند بطوریکه مجبور میشوند قسمت شده هر قسمت یکی از آن مجالس بروند .
تازمان انعقاد جلسات عمومی کنگره میرسد و در هشت جلسه چنانکه در فصل بعد میخوانید کنگره نژادی برپا می گردد .

فصل بیستم

اخبار ایران و جلسات عمومی کنگره نژادی

در این فصل پیش از نگارش شرح جلسات عمومی کنگره نژادی مختصری از اخبار ایران که در جراید خارجه نشر میشود بنویسم جراید مینویسند سالارالدوله عموی شاه که مدتی در خارجه متواری بود بسرحدات غربی ایران رسیده بخیال آنکه در لرستان و کردستان و سرحدات غربی آذربایجان نظر بسابقه‌هایی که در آن حدود دارد لشکری جمع کرده بتهران حمله نماید و تخت و تاج را تصرف کند این خبر در خارج چندان محل اعتنا نمیشود در داخله هم کابینه اعتدالی سپهدار اقدام درستی در جلوگیری نمیکند لهذا طولی نمیکشد که جمعی اطراف سالارالدوله جمع میشوند و بعضی نقاط سرحدی را تصرف میکنند در خردیگر میرسد که محمد علی میرزا پادشاه مخلوع هم از سواحل بحر خزر بتوسط کشتیهای روسی بخاک ایران وارد شده از ترکمانان و ایلات دیگر سرحدی جمعی را اطراف خود جمع نموده قصد حمله کردن بتهران را دارد این خبر در خارج و داخل فوق‌العاده مؤثر میشود خاصه که مابین دولت ایران و سفارت روس و انگلیس در تهران پس از آنکه محمد علی میرزا در هنگام خلع در سفارت روس متحصن شد قراردادی شده است که محمد علی میرزا نتواند بایران مراجعت نماید و دو سفارت آن قرارداد را امضاء نموده‌اند جراید خارجه در این باب دنبال مینمایند ولی انگلیسها اعتنائی نکرده روسها هم جواب مهملی میدهند حاصلش آنکه ما از خیالات محمد علی میرزایی اطلاع بوده‌ایم و او سر خود این حرکت را نموده است پس از ورود محمد علی میرزا بخاک ایران سالارالدوله هم که دشمن محمد علی میرزا بود عنوان میکند من برای پس گرفتن تخت و تاج و تسلیم نمودن ببرادرم سعی مینمایم معلوم میشود دو برادر از دو طرف ایران از روی يك نقشه و برای يك مقصود و البته از روی يك دستور وارد شده‌اند در داخله هم اشاری از قبیل صمد خان در آذربایجان

کنگره نوادی

ورشیدالسلطان درمازندران و غیره خود را برای کمک نمودن بمحمدعلیمیرزا حاضر میکنند رجال مستبد نیز فرصت یافته در باطن دستیار محمدعلیمیرزا میشوند و او را اطمینان میدهند بطوریکه بیچاره تصور میکند بهمان نقشه که دو سال پیش مشروطه طلبان کشیدند او را خلع کردند میتواند او تخت و تاج از دست داده را باز پس بگیرد بهر صورت در این موقع که کابینه ملایم سپهدار برای جلوگیری از این حمله ها صلاحیت ندارد و دولتیان بقوه بختیاری محتاج هستند نه قتلخان صمصام السلطنه بختیاری را رئیس الوزراء میکنند و فرقه دموکرات که ضدیت تمام با فرقه اعتدال و اتفاق و ترقی داشتند بایکدیگر میسازند و متفقاً دولتی تشکیل میدهند.

رؤسای بختیاری قوای خود را در تهران جمع میکنند اشخاصی را که متهم بخصوصیت داشتن با محمدعلیمیرزا هستند از رجال دولت و غیره گرفته توقیف میکنند و بعضی هم که در مخاطره اند بعضی سفارتخانهها تحصن میجویند و قوای دولت که عمده اش قوه بختیاری است مصمم دفع محمدعلیمیرزا و سالارالاوله میگردد و طولی نمیکشد که یک شاه مخلوع مطرود یاغی شده بر سر خود که پادشاه وقت است و یک شاهزاده دیوانه طرد شده یاغی از شرق و غرب مملکت رانده میشوند.

و باید دانست که هیچ قوه محمد علی را با اسبابی که در دست دارد از مساعدین داخلی و استظهار بمواقفهای خارجی بزودی مغلوب و مأیوس نمیکند مانند قانونی که از مجلس شورایملی میگذرد و برای آورنده سر وی جایزه بزرگ معین می گردد.

محمدعلی از مجلس مرعوب است از یک طرف و از طرف دیگر سست عنصری و ظمعیاری هم راهان خود را هم میداند در این صورت حق دارد بعد از صدور این رای از مجلس شورایملی از هم راهان و نزدیکان بر طمع کم عقیده خویش نگران بوده باشد زیرا مبلغی که قانون بکشنده او میدهد اضعاف مضاعف آن چیزی است که قاتل در صورت اقدام نکردن از خود او میگیرد.

در این حال تصور احوال سلطان احمد میرزا که از یک طرف سلطنتش بمخاطره افتاده و از طرف دیگر در صورت مغلوب شدن از مفارقت پدر و مادر که بآنجا علاقهمند است خلاص میشود و از طرفی تعیین جائزه بزرگ از طرف مجلس ملی برای کشنده پدرش بامضای او باید قانونی بگردد البته بسیار مشکل است و در شنیدن بازگشت

فصل بیستم

او از راهی که آمده است باید خوشحال شده باشد و بفراق او بسازد خلاصه این غائله زود ختم میشود و شرح واقعه و احوال قسمتهای شرقی و غربی مملکت در این اردو کشیها خصوصاً در زیر دست اردوهای چریک و تأثیرات این واقعه، نزد اجانب و عملیات آنها در فصل دیگر نگاشته میشود این وقایع ایران مقارن انعقاد جلسات عمومی کنگره نژادی در لندن واقع شده در جراید منتشر میکرد و تاخیر فتح دولت برسد موجب بسی پریشانی خاطر است اینک بشکارش شمه‌ای از اوضاع جلسات عمومی کنگره - نژادی میردازیم .

از تاریخ ۲۶ ژوئیه تا ۲۹ آن ماه که مطابق است با ۲۸ رجب تادوم شعبان یکهزار و سیصد و بیست و نه (۱۳۲۹ هـ) هشت جلسه عمومی کنگره در تالار دارالفنون لندن صبح و عصر منعقد می‌گردد .

فضای این تالار بزرگ و متعلقانش بچند قسمت تقسیم شده یک قسمت در جلو است که محل آمد و رفت و خرید و فروش کتابها و رساله‌ها و دستورها و اوراق راجع بکنگره میباشد چه از پیش طبع شده و چه آنها که در انجمن کنگره پی در پی طبع میشود و در این محل مجاناً توزیع می‌گردد و با فروش میرسد و در حقیقت این قسمت اختصاص بمطبوعات دارد قسمت دوم برای نمایش عکس است بجهت هر یک از ملل عضو کنگره اطاق موقتی ساخته‌اند و نام آن ملت بر سر آن نوشته شده نماینده یا نمایندگان هر یک از ملل عکسهائی را که از مملکت خود آورده‌اند در مکان مخصوص خود چیده و در معرض نمایش گذارده‌اند اطاق ایران هم مزین است بمتجاوز از چهارصد صفحه عکس ایران هر یک از ملل بهترین عکسهای مملکت خود را در این نمایشگاه نشان میدهند مخصوصاً چینیان یک عده از تابلوهای تاریخی قدیم خود را در کشتی مخصوص حمل کرده با اهمیت بسیار که بآنها میدهند در مکان خود گذارده نمایش میدهند .

قسمت سیم محوطه مجلس کنگره است که این قسمت باز بدو قسمت شده است یک قسمت جای هیئت رئیسه است از رئیس افتخاری و رئیس دائمی و نایب رئیسان و هیئت منشیگری که شصت و چند نفر نویسندگان رساله‌های کنگره و نمایندگان رسمی دول باشند .

اخبار ایران و جلسات عمومی کنگره نژادی

و این قسمت مرتفع تر از قسمت دیگر است کرسی خطاب به هم پیش روی این ایوان نهاده شده قسمت دوم جای اعضای عمومی کنگره است که چند صد نفر میباشند از ملل مختلف عالم زن و مرد و جای تند نویسان در برابر کرسی خطاب به يك طرف قسمت عمومی نرده چوبی نصب شده و در پس آن تماشاچیان متفرقه جای دارند در فضای کنگره قسمت دیگر هم هست جای نطق و خطابه های خصوصی در غیر جلسات عمومی و هم یک قسمت در آخر فضا است که قهوه خانه و ناهار خوری است در جلسات عمومی مطالب مختلف مطرح میشود و نظریات انجمنهای فرعی مذاکره میگردد و قبلاً ترتیب جلسات و اینکه در هر جلسه کی صدر نشین (یاریس افتخاری) است و موضوع مباحثه چه میباشد طبع و نشر شده ترتیب نطق اعضای منشیگری که جزوه هیئت رئیسه هستند یعنی نویسندگان رساله ها هر يك حق دارند يك ربع ساعت صحبت بدارند در صورتیکه یکی از چهار زبان رسمی کنگره نطق کنند و اگر خواستند بزبان دیگر بگویند این وقت تقسیم میشود میان ناطق و مترجم او و سایر اعضا فقط شش دقیقه حق نطق دارند شرح مذاکرات در جلسات عمومی طولانی است و این کتاب صلاحیت درج آنها را ندارد فقط شرحی را که پس از ختم جلسات عمومی مخبر روزنامه گنیش قفقاز بر روزنامه خود مینویسد در فصل بعد خواهید خواند و از موضوع نطقها بطور اجمال آگاه میگردد.

فصل بیستم

پیش از انعقاد اول جلسه عمومی نگارنده با کسوت معمولی خود در ایران که لباس بلند و عمامه است بفضای کنگره وارد میشود و من تنها کسی هستم که بکسوت معمول در مملکت خود میباشم نمایندگان ملل دیگر که کسوت مخصوص دارند و عادة لباس اروپائی در بر کرده اند مخصوصاً نمایندگان عثمانی و مصر همینکه نگارنده را در کسوت خود میبینند میروند و هر يك كلاه یافینه خود را بر سر گذارده بر هیگردند



مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی

«این عکس از مجله کنگره که عکس همه نمایندگان ملل را دارد گرفته شده»

و در میانه نمایندگان البسه مختلف دیده میشود بعضی از نمایندگان هندوستان هم

لباس وطنی خود را پوشیده اند

اخبار ایران و جلسات عمومی کنگره نژادی

جلسه منعقد میشود ناطقین از رئیس افتخاری یا صدر نشین اجازه خواسته نطق میکنند و چون مدت آنها تمام میشود رئیس زنک میزند و ناچار هستند نطق خود را پایان دهند بعضی از دول نماینده رسمی بکنگره فرستاده اند از جمله دولت ایران هم میرزا-غفارخان ترک مستشار سفارت لندن را معین نموده است که در جلسات کنگره حاضر گردد در یکی از جلسات عمومی مشارالیه شرح مختصری راجع بمجالس ملی در میان ملل و حسن روابط آنها بایکدیگر و تأثیر آن حسن رابطه در حیات بین المللی میخواند. نگارنده میباید روز سیم در جلسه صبح یعنی جلسه پنجم صحبت بدارم و لکن پیش آمدی نوبت مرا بجلسه هفتم میندازد و آن این است که یکی از خانمهای معروف انگلیسی که رئیس صوفیه است و بهندوستان مسافرت کرده خود را شخص انسانیت طلب و خیرخواه نوع میدانند در اواسط جلسه پنجم بمجلس کنگره آمده بدون سابقه و بی آنکه عضو کنگره بوده باشد از رئیس اجازه نطق میطلبد رئیس اجازه نمیدهد خانم بر اصرار خود میفزاید بحدی که مستمعین از رئیس تقاضا میکنند باو رخصت بدهد صحبت بدارد خانم مزبور بی رعایت انتظامات مجلس شروع بنطق کرده و با حرارت مفرطی سخن می گوید و از اینجا شروع میکند ای نمایندگان ملل مختلف عالم فریب ما انگلیسیان را نخورید که ما خود را طرفدار عالم انسانیت معرفی میکنیم بروید بهندوستان ببینید ما انگلیسیان تربیت شده باهندیان بیچاره چه معاملهئی میکنیم که کسی با حیوانات آن معامله را نمیکند و در این زمینه از عملیات دولت انگلیس در خارج مملکت سخت انتقاد مینماید شش دقیقه می گذرد صدای زنک رئیس بلند است خانم اعتناء نمیکند صدای زنک متصل و طولانی رئیس از یک طرف بگوشها میرسد و صدای بلند و پر حرارت زن از طرف دیگر بالاخره از طرف مستمعین از رئیس بطور عموم تقاضا میشود که دست از زنک برداشته بگذارند خانم آزادانه نطق خود را پایان برساند بیست دقیقه این نطق طول میکشد و از طرف شنوندگان زن و مرد صدای کف زدنهای متوالی از شنیدن نطق او که بظاهر بیان حقایق است بلند می باشد رئیس تاب تحمل نیاورده از جای برخاسته می گوید پس بهتر آن است که دو مجلس کنیم در یکی خانم صحبت بدارند و در مجلس دیگر ما کار کنگره را انجام بدهیم در اینحال خانم ساکت است زنی از

فصل بیستم

شوندگان برخاسته بر نئیس جواب میدهد که اگر دو قسمت در دو وقت باشد چه ضرر دارد ولی اگر در يك وقت باشد راضی نیستیم چونکه میخواهیم هر دورا بشنوم این تدبیر رئیس هم بی نتیجه مانده خانم نطق خود را با آزادی باخر میرساند و این موفقیت برای يك زن انگلیسی در مرکز مملکت و در میان نمایندگان ملل مختلف عالم دوست و دشمن قوت قانون و عظمت دموکراسی را در آن مملکت و در میان آن ملت میرساند مسلم است اگر خانم ناطق اطمینان نداشت که اگر نتواند خود بشخصه از رئیس مجلس اجازه نطق بگیرد مساعدت مستمعین که اکثریت آنها قاطع است او را مدد خواهد کرد نه بی وعده باین مجلس حاضر میشد و نه تقاضای نطق میکرد زیرا حاضر شدن و تمام نفوس حاضر را متوجه خود ساختن و کامیاب نشده بیرون رفتن برای او اثبات سفاهت بود پس قطع داشت که قانون او را حمایت کرده آبرویش محفوظ خواهد بود. گویند هندیان ستمکشیده عضو کنگره و یانگیر آنها خانم مزبور را وادار و تشویق کرده بلکه تطمیع نموده اند و هیچیک از این دو مطلب را نمیتوان رد کرد زیرا که اولاً ستمگری انگلیسیان را نسبت به هندیان نمیتوان انکار نمود وجود اشخاصی را از هندیان در لندن که در سایه تعلیمات در مدارس انگلیس بیدار و به حقوق خود برخوردار شده اند نمیتوان قائل نبود البته موقعی از این بهتر بدست آنها نیامد که بتوانند ستمکشیدگی خود را بگوش عالمیان برسانند آنها بزبان پاك و بی آلاش يك خانم محترم انگلیسی که خود به هندوستان سفر کرده فجایع معاملات انگلیسیان را با هندیان برأی العین دیده است .

و اما مسئله تطمیع نمودن آنها طبیعی است زیرا که انگلستان قسمتی از دنیاست و انگلیسیان هم يك قسمت از بشر منفعت پرست و بهر صورت گفتن حرف حق با این جلالت و بی ملاحظه در آن مرکز و در آن مجمع از آن زن قابل تمجید است و هر گونه پیرایه که از طرف اشخاص بی خبر و یا کسانی که در مظالم مزبور شرکت داشته اند بر این جنس گویی بسته شود قابل اعتنا نمیشود .

بعد از گذشتن این جلسه جراید بعد از ظهر لندن بصدا در آمده بر جلسه صبح کنگره اعتراض میکنند حتی بعضی از آنها زبان درازی کرده نسبت دیوانگی باعضای

اخبار ایران و جلسات عمومی کنگره نژادی

کنگره نژادی میدهند ولی بیش از نصف روز طول نمیکشد که زبان آنها نه تنها کوتاه میشود بلکه بیوزش خواستن باز می‌گردد شرح واقعه آنکه جمعی از معلمین محترم انگلیس که مؤسس کنگره هستند بچراید و عنوانات توهین آمیز سخت اعتراض میکنند بدین سبب ارباب چراید سپر انداخته با اعتراضات معلمین تسلیم شده عذرخواهی مینمایند و این قسمت از واقعه علم و عظمت عالم معلمی را در آن مملکت میرساند. و اما نطق نگارنده در جلسه عمومی کنگره من میخواهم بزبان ملی خود صحبت بدارم ولی ملاحظه دارم که مبدا تنها بمانم و شریک پیدا نکنم ولی نماینده ژاپون پیش از من بمقام خطابه رفته می‌گوید من بهیچ زبان صحبت نمیدارم مگر بزبانی که مرا باین سن رسانیده است و بزبانی حرف زده مترجم در نصف مدت که دارد ترجمه آنرا می‌گوید و نگرانی من برطرف می‌گردد

نگارنده یکی از شاگردان ایرانی را برای مترجمی خود در این جلسه اختیار میکند و نوشته میشود نماینده ایران بزبان فارسی حرف خواهد زد و یکی از جوانان ایرانی که در دارالفنون لندن تحصیل مینماید نطق او را بانگلیسی ترجمه مینماید شنوندگان که در میان آنها از هندی و قفقازی و عثمانی و غیره فارسی دان کم نیست از شنیدن زبان فارسی در چنین مجلس اظهار خرسندی مینمایند نطق نگارنده باقتضای حال و پریشان حواسی که از بابت حمله محمد علی میرزا شاه مخلوع و سالار الدوله برادرش بشرق و غرب ایران حاصل است بر حرارت و شکایت آمیز و اخبار ایران را که درجراید همان ایام درج است شاهد آورده انگلیس را که در فجایع ایران از روی عهد نامه ۱۹۰۷ بهرگونه تجاوز روس باور داخلی مملکت رضا میدهد شریک جنایتها میخواند و می‌گوید ای نمایندگان ملل مختلف عالم آیا انصاف است در یک مملکت که مشغول اصلاح داخلی خود میباشد اینطور اسباب قتل و غارت و اختلال امور آنرا فراهم بیاورد و اضافه میکنم که اگر بیگانگان ایران را بحال خود بگذارند هرگونه مانع که در راه ترقی و تعالی آن روی دهد مانند برف که در آفتاب پخودی خود آب میشود طبعاً برطرف خواهد شد و چون همه متوجه اخبار تاسف آمیز ایران هستند نطق شکایت آمیز من در دلها اثر کرده اظهار همدردی میکنند و مورد تحسین

واقع می‌گردد .

در جلسه هشتم صدر نشینی و ریاست افتخاری بنام نگارنده است جلسه منعقد میشود نگارنده قبل از نشستن بر کرسی ریاست تشکر مختصری از هیئت اداره کننده کنگره مینماید و جلسه را با آخر میرساند در نزدیکی ختم جلسه که کنگره ختم باید بشود از یکطرف عکاسان در اطراف مشغول برداشتن عکسهای متحرک هستند و از طرفی فراشان زنکهای بزرگ را در دست گرفته اند که ختم کنگره را با نواختن زنکها اعلام کنند نگارنده خیال میکند باید در ختم مجلس چند کلمه بگوید و کنگره را با آخر برساند لهذا مختصری نوشته مترجم آنرا حاضر نموده در موقع ختم کنگره میگوید مجلس ختم می‌گردد و آن این است :

هیئت اداره کننده کنگره نژادی به بهتر وجه تکلیف خود را ادا کردند ولی ما نمایندگان ملل مختلف عالم وقتی تکلیف خود را ادا شده باید بدانیم که مقررات کنگره را که همه خیر و صلاح عالم بشریت است در ملت‌های خود بموقع اجرا بگذاریم. دفاتر جلسات کنگره نژادی با این چند کلمه که نگارش یافت تمام شده بسته می‌گردد افسوس که پریشانی اوضاع داخلی مملکت و کوتاهی افکار بین المللی کارکنان رسمی ما فرصت نمیدهد که در این ملک هم قدمی رو باجزای مقررات کنگره مزبور برداشته شود مخصوصاً در قسمتهای فکری و اقتصادی که قطعاً بر نفع مملکت تمام می‌گردد .

فصل بیست و یکم

بقیه احوال کنگره نژادی

برفورا آذر انگلیسی که کلیمی متعصبی است ادعا میکند نخستین فکر تأسیس کنگره نژادی بدماغ وی خلجان کرده است تا چه اندازه این دعوی صحت داشته باشد بر نگارنده پوشیده است چیزی که هست این شخص نفوذش در کنگره مخصوصاً در قسمتهای فنی آن بیشتر از دیگران است و هم مسئله نهضت بنی اسرائیل و خیال وطن جستن آنها در بیت المقدس و حرارتی که برای استقلال در دماغ کلیمیان چو آن تولید شده و حس ازدیاد ثروت که در وجود عالی ودانی آنها کار خدائی میکند و پیدا شدن معلمین بزرگ در میان آنها در اروپا و امریکا و وجود سرمایه داران سترک در این قوم مخصوصاً در امریکا و مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دیگر مکن است دلیل بوده باشد بر اینکه تأسیس کنگره نژادی و حفظ حقوق بشری از روی تقسیمات نژادی در دماغ یک معلم کلیمی زودتر خلجان کرده باشد تا در دماغ دیگران معلم مزبور در یکی از جلسات خصوصی کنگره نطق طولانی نموده مطلب را بتوسعه معارف عمومی در تمام ملل میکشاند و می گوید تا ببینیم نماینده ایران در این موضوع چه می گوید نگارنده با برآشتگی از این تخصیص که خیلی ساده بنظر نیامده بعد از نطق او بوی خطاب کرده می گوید ما در سالهای آخر در کار معارف کوتاهی نکرده ایم و در توسعه معارف اقلیتها را هم بهره مند ساخته ایم شاهد حال وجود آلیانسها و مدارس کلیمی است در شهرهای بزرگ و کوچک ایران که روز بروز در ترقی و تکمیل است چه برای دختران و چه برای پسران حتی آنکه اطفال غیر کلیمی هم از آن مدارس استفاده میکنند در صورتیکه حال و کار و ملامت شما در مملکت ما از نامیزی و لایبالیگری ضرب المثل بود این ترقی سریع و شدید کلیمیان در ایران که نسبت برمان کم فوق العاده بنظر میرسد آیا نمیتواند شاهد حسن اقدام ما در توسعه معارف بوده باشد و اضافه میکنم بیان

فصل بیستم

شمه‌ئی از اوضاع معارف جدید ایران را برای دختران و پسران در سرتاسر مملکت و برای تمام فرق ایرانی .

معالم مزبور و خائمش از شنیدن این حرفها اظهار بشاشت کرده از تخصیصی که در صحبت بمن داده‌اند معذرت می‌خواهند بعد از اینکه باین تفصیل از اوضاع معارف جدید ایران خبردار نبوده‌اند اینک برای زبیدا اطلاع خوانندگان کتاب خود عین شرحی را که مخبر یکی از جرائد قفقاز از لندن بر روزنامه خود می‌فرستد و بمناسبت اینک بنام نگارنده در آن اشاره کرده سوادش را بمن میدهد درج می‌کنم مخبر مزبور می‌نویسد .

«کنگره نژادها»

در روزهای آخر ژوئیه سال ۱۹۱۱ در دارالفنون لندن مجمعی بنام کنگره بین‌المللی مرکب از نمایندگان نژادهای مختلف بشری تشکیل گردید .

مقام کنگره مزبور یکی بحث و استفتاء در بسط و توسعه دایره علم و دانش و دیگری بتأمین و تشریح روابط عمومی بشری و در نتیجه ایجاد اتفاق حقیقی و اتحاد واقعی بین ملل شرق و غرب میبود نخستین کسی که خیال تشکیل این کنگره ارجمند رادر دماغ پروراند و برای اجرای این فکر دامن همت بر کم‌مرزد دکتر فیکلس آدلر - M. Dr Felix Adler پرفسور دارالفنون کامبیا بود و مهمترین چیزی که به تشکیل آن کمک نمود اتحاد مجامع اخلاقی بین‌المللی و تقویت های انجمنهای رادیکال و ولیبرال انگلستان میبود .

محل تشکیل این کنگره لندن پایتخت کشوری بود که بقول معروف «هیچگاه آفتاب در آسمان آن غروب نمیکند» .

در روز مزبور نمایندگان نژادهای مختلف بشری بدون تفاوت شمائل و رنگ برای شرکت در کنگره حضور بهم رسانیده بودند .

اعضای کنگره بر دو قسم بودند بعد از ۲۰۰ نفر اعضای رسمی و تقریباً ۸۰۰ نفر اعضای افتخاری کفقط حق نوشتن اسم خود را در دفتر کنگره داشتند .

هنگامی که یک ربع از اعضای رسمی حاضر بودند لرد وردال Verdal بدین طریق کنگره را افتتاح نموده پرده از روی شاهد مقصود برداشت :

بنیة احوال کنگره نژادی

کنگره بین المللی نژادها عامل مهمی برای بیدار کردن توده های خفته بشری میباشد و مانند يك حرکت آرامی است که بر تمام گیتی غالب و مؤثر است .
مرام آن سرنگون ساختن بیرق ظلم و اجحاف افزایش برچم عدالت و انصاف و بران نمودن اساس شوم جنک و بیگانگی و نفاق و آباد ساختن کلخ فرخنده صالح و آشنائی و اتفاق میباشد و پس این کنگره آنچه را که در بنیان متین یکرنگی و برادری بشر رخنه افکند نیست و نا بود خواهد ساخت زبان رسمی در کنگره فرانسه و انگلیسی و آلمانی و ایتالیائی بود ولی زبان فارسی و ژاپونی نیز نطقهائی ایراد شد و آنها را بانگلیسی ترجمه نمودند و یکی از امریکائیها که نماینده ملیون امریکائی بود سرودی بدو زبان خواند که یکی از آنها زبان اسپرانتو بود .
ریاسب افتخاری کنگره به ترتیب بچندین نفر واگذار شد .

۱ - بحکیم چینی ۲ - بوکیل ژاپونی ۳ - بنماینده ملی ایران ۴ - ژرنال لحتیم رئیس قدیم پارلمان دولت هائیتی ۵ - بنایب رئیس پارلمان عثمانی و غیره .
از دو سال پیش مقدمات تشکیل این کنگره تهیه شده بود و اگر در دفعه نخستین بتمام مواد پرگرام و مرام خود بنحو اکمل رفتار نشده باشد جای نگرانی نخواهد بود یقیناً در دفعه ثانی اشکالات مقدماتی کمتر بوده و کنگره بیشتر بانجام مرام خویش کامیاب خواهد گردید .

علت آنکه ایندفعه موفقیت کامل حاصل نشد بواسطه کمی وقت و زیادتی موضوعات قابل بحث و تدقیق بوده چه در چهار روز مدت انعقاد کنگره آنهم روزی سه ساعت نمیشود درصفت موضوع مختلف با نهایت دقت و موشکافی سخن رانند چه رسد باینکه علاوه بر اینها در قضایای چهارده گانه عمومی دیگر از قبیل (اثر مجامع) (تفکیک مذاهب) و (مقام حقیقی زن در عالم بشریت) و بعضی سؤالات مخصوص راجع ببعضی ممالک و ملل از قبیل چین و ژاپون و عثمانی و ایران و مصر و هائیتی و یهودیان و جثه های آمریکائی و حبشه های آفریقائی و هندوستانی و برخی مطالب مشتمل بر ترتیب اخلاقی حقوق بین المللی - ثروت - امانت گذاردن و استقراض و آزادی مهاجرت نیز میباشد بنوبت خود گفتگو و حقوق بحث شود

فصل بیست و یکم

موضوع نطق ناطقین هم بعضی در روی فشار و ظلم و اجحاف نژادهای مختلف بشری بیکدیگر و برخی راجع بنامساوی بودن ثروت و دولت افراد انسانی و گروهی متضمن آزادی زنها بود يك خانم چینی نطق مفصلی دائر بر اینکه زنها میتوانند علاوه بر تنظیم و تنسيق امور خانه کار های بزرگ و خطیر دیگری را هم از عهده بر آیند ایراد نمود .

مادام آنی بزانت Mm ani Besant بالهجه هیجان آمیزی سخن گفته مشاهدات خود را راجع بوضع زندگانی مردمان هند خاطر نشان ساخته و در باره تربیت اطفال خردسال اصرار و ابرام کرد .

یکی از اعضای کنفرانس لاهه میگفت : امید ما از این کنگره بیش از اینها است که انتظار می رود باید افتتاح و تشکیل این کنگره اولین قدم را در راه اتحاد نوامیس اخلاقی و صلح عمومی بشر برداشته باشم .

یک نفر اسرائیلی درخواست اعمال عدالت و تشکیل سلطنت و حکومتی برای همکیشان خود نمود .

یکی دیگر از نمایندگان از جنك و آسمان پیما سخن راند .

عده عقیده داشتند قبول کردن زبان اسپرانتو موجود رابطه معنوی نژادی خواهد گردید نماینده کوچکترین مملکت اروپ پیشنهاد تشکیل عدالتخانه نمود که ناظر تهیه و تنظیم احصائیه (استاتیسٹیک) باشد و مخصوصاً بترویج و پیشرفت علوم ریاضی در مملکت فرانسه و غیر آن توجه مخصوصی داشت .

دختر هیجده ساله مسماء به خانم لژیتم (Legitim) از آنچه در حق حبشها گفته شده بود اظهار تشکر و امتنان نمود .

بالاخره در خاتمه مجلس برهمنی شجاع و بلند قد که لباس زرد و قرمزی در برداشت نطق مفصلی نموده در آخر نطق بصدای بلند سرود مملکت خویش را خوانده و قلباً عملیات کنگره را تقدیس نمود .

در پرگرام اسامی ناطقین کنکره در مقابل موضوع اتحاد و دوستی حقیقی ما بین نژادها نام مادموازل دستورنل Mm Destournelle و کنتانت ولئون بورجیا -

بقیه احوال کنگره نژادی

Contant et Leon Bourgeois نوشته شده بود ولی متأسفانه این دو ناطق در موقع افتتاح کنگره حضور نداشتند که در این خصوص صحبت کنند زیرا که اولی با آمریک و دومی بایران مسافرت کرده بود.

اما جای نگرانی نیست زیرا خیالات آنها کاملاً موافق بیانات مادام ف ادلر Mm . F. Adellère بود زیرا بعقیده همه صالح کل آخرین دواهی دردهای بیشمار بشری میباشد

کنگره با وجود نواقصی که داشت بی نتیجه نماند زیرا عده از فضلا و مطلعین بملاقات یکدیگر نائل شدند و از این تلاقی و تبادل افکار مختلف برقی جستن نمود که در آتیه روزگار تیره بشری را پیرتو خود روشن خواهد نمود.

در کنگره نژادی مردمان مختلف عضویت داشتند و اغلب دول نماینده رسمی بدانجا روانه کرده بودند عده زیادی از لیبرالها و نمایندگان دول غیر مشروطه نیز حضور داشتند و جای تردید نیست که در یک چنین مجمع با عظمت و ابهتی سخنها همه در روی اصول منطقی با فایده و استدالات نیکوی مثمر تر خواهد بود و مهمتر از این آزادی نطق و عقیده بود زیرا هر گس بدون پروا و هراس منویات خویش را اظهار مینمود در صورتیکه در مجامع نظامی و سیاسی دیگر کسی جرئت ادای آن گونه سخنان را نداشت.

پرفسور پیر روم ج سرجی G. Sergi با کمال شجاعت بدون ترس و بیم از ظلمهائی که در حق ملل ضعیف (در حق پلنی یا در روسیه) و درباره مردمان مستملکات اروپائی از طرف دول مستعمراتی (آلمان بلژیک فرانسه حتی دولت انگلیس) میبود گلّه و شکایت نموده مسببن ظلم و عمال جور و ستم را شماتت و ملامت نموده آنها را سرزنش بسیار نمود پرفسور فرسته Foerster بدون در نظر گرفتن تعصب ملی و وطنی واضح گفت که دولت آلمان شب و روز قشون خود را زیاد نموده مقدمات فتنه و آشوب گیتی را تپیه میسیند و چون باصراحت لپچه این مطلب را ادا نمود مورد تحسین و تمجید همه واقع گردید. هموطن او هم پرفسور م. ف. لوشان (M. F. Luchan) بطور آرامی از کلام خود دوش آب سردی بر سر مردم ریخته آغاز سخن نمود و چنین گفت: تازمانی

فصل بیست و یکم

که در روی زمین بجای فرشته و انسان حقیقی این بشر دوپازبست میکند و در صدد تهیه وسائل زندگانی میباشد این اختلافات روز افزون مابین بشر برقرار خواهد بود کنفرانس لاهه عدالتخانهای عمومی روزنامه نجات بین المللی هیئت های صلح عمومی زبان اسپرانتو زبان بین المللی و خیلی چیزهای دیگر از رفع این دوئیت و تغایر عاجزند و این اصول نمیتواند از جنک و خونریزی جلوگیری نماید .

پرفسور آلمانی که یکی از مقننین بود اظهار نمود روزی را خواهم دید که توپهارا بعنوان اشیاء تفننی و عتیقه در موزه ها بگذارند و گفت رفیق یونانی من بالحن شوخی آمیزی میگوید من مطلب شما را قبول دارم زیرا اختراع تازه باعث میشود که مخترعات قدیمی بکلی بر طرف شده در موزه ها محض نمونه ضبط شود .

علاوه بر این مطالب سخنان دیگر نیز راجع بتساوی و برادری نوع بشر و طریق بر طرف ساختن خیالاتیکه ممکن است باعث شود نژادی خود را عالی دانسته و نژاد دیگری را پست بشمارد گفته شد .

نماینده دولت عثمانی اقرار نمود که از بدو مشروطیت تا بحال رفتار بد بسیار شده است و میگفت بجای اینکه جان ترکها (جوانان ترك) اتحاد ملی را محترم داشته با تمام ملت دست برادری بدهند اتحاد حزبی و مسلکی را پیشه خود قرار داده اند .

یکی از ساعات هیجان کنگره هنگامی بود که مسیو طومانیان کشیش معروف و مشهور که اغلب نام وی زیب صفحات روزنامه جات گردیده بعد از اینکه گفتگوی زیادی راجع بوضع زندگانی و رفتار هموطنانش نمود بدکتر رضا توفیق و کیل ترك دست داده یکدیگر را برادرانه در آغوش کشیدند در این موقع مادام طومانیان هم شروع بسخن نموده دست خود را بدست آقای حاجی میرزا یحیی پرفسور محترم تهران گذارد از دیدن این حرکات و شنیدن این بیانات آواز تحسین و تمجید از هر طرف بلند شد و باین چهار نفر که برای اولین دفعه نمونه و مثال اتحاد و برادری آینده مردم مشرق زمین شدند تهنیت و تبریک گفته دست زدند نباید فراموش کرد که مرام کنگره طوری تنظیم گردیده که هر طبقه مردم جهان از آن بهره و نصیبی خواهند برد .

در خانمه يك جوان باشهامت از مردم لیتوانی (Lithuanien) (اخطار نمود که اجتماع کنگره سال آینده از برای مردم لانی خواهد بود که نسبت بآنها از طرف دول مقتدر ظلم و اجحافی رفته باشد انتهی) امیدواریم تشکیل این کنگره که اول قدم را در جاده سعادت حقیقی بشر گذارده است در آتیه نتایج خوبی در برداشته باشد .

اینک بازشمه‌ئی از احوال پریشان ایران بنگاریم در اول فصل شانزدهم نوشته شد که بتحریکات داخلی و خارجی محمدعلیشاه مخلوع طرد گشته از مشرق ایران و برادرش سالارالدوله تبعید شده از مغرب بمملکت وارد شده هر يك جمعی مسلح دور خود جمع کرده خواستند بتهران حمله آورده تخت و تاج را تصاحب نمایند و دولت مشروطه ایران که اکنون بدست بختیارهاست این حمله‌ها را دفع داد و شر آنها را رفع کرد در اینصورت باید خوشحال بود و بقدرت دولت و بعظمت حکومت ملی بالیدولی دو نکته را نباید از نظر دور داشت که هر دو موجب بسی تأسف است اول آنکه در این حمله‌ها و دفعها بر قصابات و دهات بلکه بر شهرهای شرقی و غربی مملکت که محل تهاجم و میدان مبارزه‌ها بوده و بر مردم بیچاره آنها که سالها دچار بدبختی بوده اند چه وارد شده است خصوصاً که عادت بختیاریان این است جنگ را برای غارت میکنند و در وقت غارت کردن فرق نمیگذارند شتر صالح است یا خردجال در اینصورت باید بر حال ساکنین نقاطی که محمدعلیشاه و سالارالدوله شکست خورده از آنهاجا میگذرند و بعد از آن اردوی بختیاری آن محلها را تصرف مینماید بسی رقت نمود و گناه راهمه در نامه اعمال مسببین این قتل و غارتها از عمال داخلی و خارجی نوشت .

گویند یکی از سوارهای بختیاری از حدود استر آباد رختخوابی را بشتاب جمع کرده بغارت میبرد بعد از چند روز بوی عفونت از آن بسته بلند میشود چون میکشایند طفلی مرده در میان آن دیده میشود از اینجا بوضع غارتگری بختیاری میتوان پی برد .

بهر حال در این حمله‌ها و دفعها خسارت مالی و جانی بسیار بمملکت میرسد و مهمتر از این خسارتها يك خسارت سیاسی است که بروح مملکت وارد میگردد و ارکان استقلالش را متزلزل میسازد شرح واقعه آنکه مستر شوستر امریکائی و دیگر

فصل بیست و یکم

امریکائیان از روزیکه بایران آمده‌اند با جدیت قابل تقدیری باوضع بی‌سروسامان مالیه رونق داده حساب و کتابی بمیان آمده مالیه را تا يك اندازه تمرکز داده‌اند و این اول روشنائی است که در ایران دیده میشود روشنائی دوم که باز در سایه انتظام مالیه هویدا است انتظامات ژاندارمری است که بدست صاحبمنصبان سوئدی داده شده بدیسی است دولت کنونی ایران اگر باضعف و ناتوانی که دارد توانست شر محمد علی میرزا و سالار الدوله را دفع کند و توانست ژاندارمری منظمی داشته باشد بواسطه مرتب بودن امر مالیه است از روز اول دخالت امریکائیان بکارمالیه ایران و روس و انگلیس هیچیک باینکار رضایت نداشتند و نمیخواستند امریکائیان در ایران نفوذ حاصل کنند در این وقت که نقشه روسها در تحریک محمدعلیمیرزا و سالار الدوله عقیم میماند و مسلم است بواسطه انتظام امرمالیه است برضدیت آنها باشستر امریکائی افزوده شده بحدی که حاضر ندبهر قیمت تمام شود او را از ایران بیرون نمایند و اطمینان دارند اگر انگلیسیان در باطن بانقشه آنها در کار محمدعلی میرزا موافق نبوده‌اند در کار عزل شستر قطعاً موافق خواهند بود و اگر آن نقشه را بواسطه مخالفت باطنی انگلیسیان نتوانستند اجراء کنند بکوتاه کردن دست امریکائیان کامیاب خواهند شد خصوصاً که روس و انگلیس هر دو شنیده‌اند شستر گفته است اگر تحریکات روس و انگلیس بگذارد برای اصلاحات مملکت بولی قرض شود من اسباب این استقراض را از سرمایه داران آمریکا فراهم خواهم آورد اینست که جداً بمخالفت باشستر میکوشند و کار بدادن اولتیماتوم بدولت ایران میکشد که شرح آن در فصل بعد نوشته میشود اینک باید راجع باین مأمور امریکائی گرفتار بدست اغراض داخلی و خارجی چند سطر بنویسم شستر بایران وارد شد بدون اینکه از کشمکش دستجات بنام دهمکرات و اعتدالی خیردار بوده باشد و بی آنکه اوضاع مملکت را بشناسد خواست بیطرفانه امور مالیه را منظم نماید و البته نه صلاح شخص او بود دامان خود را بیسیاست داخلی و خارجی مملکت آلوده کند و نه صلاح مملکت ولی اشخاصی از حزب دهمکرات بمناسبت انگلیسی دانی و بودن در جریان امور خود را باو نزدیک کرده رفته رفته ویرانچنانب دهمکراتها کشیده با امور سیاسی آلوده اش ساختند و تصور کردند این امریکائی ستون

محکمی است که میتوانند باو تکیه داده سیاست داخلی خود را در مقابل احزاب دیگر مخصوصاً اعتدالیون و سیاست خارجی خود را در ضدیت با روس از پیش ببرند و اگر کسی بخواهد بتکیه گاه آنها آسیبی برساند صدای توپ کشتیهای جنگی امریکا در خلیج فارس بلند خواهد شد در صورتیکه دولت امریکا هیچگونه تعهد در نگهداری شستر در ایران نکرده و او مستخدم ایران است برای انتظام مالیه و حق دخالت در کارهای سیاسی مملکت ندارد بهر حال جمعی از ایرانیان شستر را و داشتند که خارج از وظیفه خود هم عملیاتی داشته باشند اتصال او بدمکراتها هم سبب میشود که اعتدالیون بر ضد او کارروائی نمایند با این حال که این شخص در میان مخالفتهای ظاهری و باطنی داخلی و خارجی غوطه ور است بهانه هم بدست دشمنان خود داده اسباب خلع خود را زودتر فراهم میآورد و از روی انصاف بارگناه این کار را سه قسمت باید کرد یک قسمت را بدوش غرور و تهور شستر و عاقبت نیندیشی او گذارد و دو قسمت را بدوش اغراض خصوصی داخلی و خارجی چنانکه نزد دوست و دشمن مسلم است اگر شستر در امور سیاسی دخالت نمیکرد و از بیطرفی حقیقی نسبت بدو حزب دمکرات و اعتدال خارج نمیشد البته بیش از آنکه در مقابل حمله ظاهری روس و ظاهری و باطنی انگلیس ایستادگی کرده میتواند استقامت کند ولی متأسفانه قضایای داخلی او را ضعیف ساخت و بشدت مسائل خارجی افزوده استقلال مملکت را بموئی آویخته بلکه ریشه آن را متزلزل ساخت چنانکه در فصل ۲۲ خواهید خواند.

فصل بیست و دوم

اقامت سوئیس و قضایای ایران

بعد از تمام شدن کنگره نژادی و متفرق شدن نمایندگان ملل نگارنده عازم مراجعت بسویس و چندی اقامت آنجامیشوم يك روزیش از ترك لندن نمودن بتقاضای منشی عمومی کنگره نژادی مسیو اسپله انجمنی در سفارت ایران شده میخواهند در موضوع پیشنهاد نگارنده که اعضای کمیته دائمی باید مرکب از شرقی و غربی بوده باشد و این موضوع در کنگره عمومی حل نشده است صحبت داشته شود اعضای این انجمن مهدیخان مشیرالملک و وزیر مختار مسیو اسپله - میرزا غفارخان مستشار سفارت و نگارنده است مسیو اسپله عنوان میکند پیشنهاد فلانی پذیرفته شده است که اعضای کمیته دائمی شرقی و غربی هر دو باشند و مقرر گشته است نه نفر اروپائی و امریکائی و شش نفر آسیائی بوده باشند ولی در تقسیم شش نفر بممالک عمده آسیا بایران و عثمانی هر يك يك نفر نمیرسد پس بهتر این است که از این دو مملکت اسلامی يك نماینده در کمیته دائمی پذیرفته شود نگارنده بمصلحت در جواب طفره زده میگویم در این باب باید از تهران کسب تکلیف نمایم و مجلس بی نتیجه منتفی میگردد روز هفدهم ماه شعبان یکهزار و سیصد و بیست و نه (۱۳۲۹هـ) مطابق دوازدهم اوت ۱۹۱۱ مسیحی از لندن پیاریس آمده چند روز آنجا میمانم هوای پاریس در اینوقت بسیار گرم است و موقع دیدن دیدنیهای آن شهر نیست لهذا زیاد توقف نکرده بسویس روانه شده در شهر لوزان طرح اقامت میافکنم جوانان محصل ایرانی را که با هم کشمکش و رقابت دارند در چند مجلس جمع کرده با یکدیگر الفت میدهم انجمن دانش گستر آنها را که برهمخورده باز دایر مینمایم در ضمن زبان فرانسه تحصیل میکنم بمعالجه مزاج میپردازم بنوشتهجات تاریخی خود مراجعه مینمایم بلکه بتوانم آنها را بدست طبع و نشر بدهم چهلروز باین منوال میگنرد از ایران هم خبر فتح و فیروزی دولتیان

و شکست قوای ارتجاعی محمد علیمیرزا و سالارالدوله و کشته شدن سرداران محمد-علیمیرزا از قبیل ارشدالدوله که حالا سردار شده و در جلد دوم این کتاب از او نام برده‌ام و رشیدالسلطان میرسد و موجب خشنودی میشود ولی من هیچ اطمینان باین فتح و ظفرها ندارم زیرا قوای دولت با اساس نیست قوه بختیاری تا وقتی بکار دولت میخورد که رؤسای آنها ذمه دار امور باشند و اگر آنها از کار خارج و یا برضد دولت شدند قوه آنها هم میکند همان کار را که یاغیان دولت مینمایند و از طرفی اختلافات احزاب سیاسی در مرکز و سایر ولایات ایران اگرچه موقتاً بواسطه حمله ارتجاع بظاهر بایکدیگر مؤتلف شده اند شدت دارد و عمر این ائتلاف کوتاه است و وضع دربار هم از شخص اول که نایب السلطنه است تا آخر در کمال ضعف و سستی است بعلاوه بنام مشروطه خواهی ظلم و تعدی بسیار برعیت میشود و موجب نفرت قلوب عامه از حکومت حاضر گشته کارهای اساسی که بینهایت مهم است همه مختل و بی نگهبان مانده در این مدت يك قدم صحیح رو بآن کارها برداشته نشده فقط چیزی که موجب امیدواری است آمدن مستشارهای اجنبی است بر سر کار دولت که از همه آنها بهتر و بی طرف تر امریکائیه هستند که رئیس آنها چنانکه از پیش گفته شد شستر است که اکنون خزانه دار کل ایران میباشد و طرف دشمنی روس و انگلیس است خلاصه بعد از چهل روز توقف در لوزان بملاحظاتی خواستم چندی در منتر و بمانم منتر و اگرچه شهر کوچکی است ولی بواسطه اینکه محل وقوع آن از بهترین جاهای سویس است و مسافرین اروپائی و غیره اغلب در آنجا جمع میشوند خاصه در زمستان که هوای قشلاقی دارد این است که لوزان را ترك کرده در منتر و اقامت میکنم.

در ایام اقامت منتر و اخبار موحش ایران میرسد که رؤسها بهانه بدست آورده دو التیماتوم بدولت داده استقلال ایران را تهدید نموده اند و بهانه این بوده است که دولت ایران حکم داده هر کس با محمد علیمیرزا دستیار بوده و یا با او همراهی نموده باشد اموالش ضبط دولت بگردد.

و از جمله آنها است ابوالفتح میرزا شعاع السلطنه برادر محمد علیمیرزا که در جلد دوم این کتاب نام یرده شده شعاع السلطنه مدتی است از ایران بخارج سفر کرده

و اخیراً جزو روس مآبان شده بمحمدعلیمیرزا پیوسته وباهم باتفاق حمله بتاج و تخت ایران نموده اند که اکنون مقهور و مطرود شده دولت میخواهد دارائی او را ضبط کند سفارت روس در تهران مانع میشود مامورین مالیه ایران بدستور خزانه دار کل مأمورین سفارت را جواب گفته حکم دولت را اجرا میکنند روسها فوراً اولتیماتومی بدولت ایران میدهند که اموال شعاع السلطنه نزد بانک ما گرو میباشد (در صورتیکه واقعیت نداشت و بلکه شعاع السلطنه پول نقد در بانک روس داشت) اگر آن اموال را بتصرف ماندهید قشون وارد خاک ایران خواهیم کرد و بعد از تصرف دادن آن اموال وزیر خارجه هم باید رسماً بیاید بسفارت ما معذرت بخواهد درباریان و مجلس ملی که درست واقف بمواقف عصر نیستند باین اولتیماتوم اهمیت نداده دفع الوقت میکنند تا قشون روس وارد سرحد میشود آنوقت الجاء حکمیت این کار را بانگلیس واگذار میکنند انگلیسها هم رأی میدهند که بروید معذرت بخواید و اموال شعاع السلطنه را هم بتصرف روسها بدهید دولت ناچار هر دو خواهش روس را بجا میآورد اما روسها دیگر باین اندازه قانع نشده اولتیماتوم دیگر میفرستند و در آن سه مطلب میخواهد اول آنکه شستر از کار خود خلع شود دوم آنکه من بعد در باب مستخدمین خارجه که دولت ایران میخواهد نگاهدارد و یا تازه اجیر کند نظر روس وانگلیس را جلب کرده باشد سیم آنکه خسارت قشون کشتی بایران را بروس بدهند و ۴۸ ساعت برای اینکار مدت قرار میدهند عمده مقصود روسها در این اولتیماتوم خلع شستراست زیرا این مرد در مقابل تحریکات روس وانگلیس سخت ایستادگی کرده آنچه را که مضر بحال ایران بوده درجراید نشر میداده از تجاوزات آنها بقدر امکان جلوگیری مینموده است اینست که در باب خلع او انگلیسها هم با روسها همفکر هستند بلکه در موارد اولتیماتوم غیر از مسئله خسارت دادن که میدانند دولت ایران استطاعت مالی ندارد باروسها هم رأی میباشند و این تحمیلات سخت را بردولت ایران برای استحکام عهد نامه هزار و نهصد و هفت خود مفید میدانند خلاصه اولتیماتوم دوم روس حواس دولت و ملت ایران را پریشان کرده پیش از آنکه جوابی داده شود روسها چند هزار نفر قشون وارد انزلی میکنند که بجانب تهران روانه شوند در اینحال مجلس شورای ملی هم مدتش منقضی

ميشود و ميخواهند مشغول انتخابات بشوند. اين حوادث انتخابات رامعوق ميگذارد مجلسيان هم صلاح مي بينند بر مدت و كالت خود بيفزايند و تماملكت آرام شود بر سر كار باشند اگر چه در اين موضوع مدعى بسيار دارند ولي بعضى تلگرافات از ولايات بدست آورده همانها را بضميمه انقلابات مملكت بهانه کرده وقت خود را طولانى ميکنند در اين وقت صمصام السلطنه بختيارى رئيس الوزراء است و خوانين بختيارى قدرت تام در دوائر دولتى دارند ناصر الملك نايب السلطنه هم كه مكرر استعفاء ميداده و در دفعه آخر جداً خود را از كار اخراج کرده باز بخواش مردم متصدى امور گشته است در خلق تهران همچنان فوق العاده هويدا شده شاگردان مدارس در كوچه و بازار فریاد يا هرگ يا استقلال ميزنند زنها بهيجان آمده خود را براى مدافعه حاضر ميکنند و همچنين در ايرانيان درهمه جا شور و انقلابى حاصل شده افسوس كه بي حاصل است جوانان محصل ايرانى هم در لوزان بهيجان آمده و قصد رفتن بايران را دارند و ميخواهند مرا هم با خود ببرند در اين احوال بملاحظاتى صلاح مي بينم از سويس پيارس رفته از كارهاى ايران بهتر خبردار شوم و بلكه بتوانم كمكى در اين احوال باستقلال مملكت بنمايم اينست كه شاگردان را آرام نموده وعده ميدهم در پارس و لندن براى آنها همفكر پيدا كنم و اگر نباشد بروند يك جمعيت مهمى باشند خلاصه باكمال پريشاني خاطر در دهم ذى الحجه يك هزار و سيصد و بيست و نه ۱۳۲۹ از سويس پيارس ميرود در گار كه شاگردان بمشايبت من آمده اند حبيب الله خان شيبانى محصل حقوق كه او را بدخول در نظام تشويق کرده ام تقاضا ميكنند در پارس تحقيق كنم اگر او را بسنسير قبول ميکنند خير خواهى مرا پذيرد پيارس ميرسم و از احوال وطن بهتر آگاه ميگردم و بر پريشاني خاطر ميسى افزوده ميشود خواهش حبيب الله خان هم انجام شده ميآيد و بسنسير وارد ميشود چون محصل خوبى است شايد روزى بكار مملكت ييابد.

در پارس يك سفارتخانه داريم كه سفيرش صمد خان ممتاز السلطنه است صمد خان از مردم اين زمان است و بيشتر بخود نمائى ميپردازد جمعى از مستبدين ايران اينجا هستند كه غير از عيش و نوش فكري ندارند جمعى محصل هستند كه بيشتر آنها بعباشى وقت ميگذرانند بعضى از آنها هم تحصيل ميکنند پس در ايرانيان پارس كسيكه براى

فصل بیست و دوم

استقلال وطن خود کار کند بسیار کم دیده میشود میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی چنانکه در پیش نوشته شد شخص ایرانی بافضلی است چندسال است در فرانسه و گاهی در انگلستان اقامت دارد و در جمع آوری کتب ادبی قدیم ایران باپرسور ادوار دبراون انگلیسی که بیشتر اوقات خود را صرف نشر ادبیات فارسی و عربی مینماید بسیار زحمت کشیده این شخص با من سابقه الفت داشته است بتوسط او مجمع مختصری از چند نفر ایرانی غیر تمند تشکیل داده که اگر بنام ملت ایران در پاریس کاری باید بشود آن مجمع عهده دار گردد و هم محصلین ایرانی را تشویق میکنم تا مجمعی برای خود تشکیل داده از حال و کار یکدیگر خبردار باشند و همدیگر را بشناسند و مشکلات کار یکدیگر را بدانند و با محصلین ایرانی در نقاط دیگر خارجه روابط حاصل کنند در اینوقت وزیر خارجه روس (سازانوف) پاریس آمده است ممتاز السلطه او را ملاقات کرده در باب اولتیماتوم روس که بایران داده شده صحبت داشته است و او هم نظر بآب و هوای فرانسه ملایمت نموده وعده همراهی داده ولی معلوم است رشته کار بدست سفارت روس در تهران میباشد و آب و هوای ایران در وقتی که چند هزار قشون روس در شمال مملکت در هر نقطه اقامت دارد غیر از آب و هوای پاریس است پس اقدامات خارج چندان اثری ندارد و میباید بتهران نگاه کنیم ببینیم آنجا چه میکنند در اینوقت کابینه تهران متوازن بلکه منحل شده و کشمکش دو فرقه اعتدالی و دموکرات نمیکند کابینه جدید تشکیل شود زیرا هر فرقه میخواهند از خود کابینه تشکیل بدهند تحریکات خارجی هم غیر مستقیم این کشمکش را امتداد میدهد که مقاصد خود را جاری کند اگر بخوایم شرح حال دربار و مجلس و مجلسیان و فرقه های سیاسی را در این حال خطرناک بنویسم که چگونه برای امور جزئی وقتی را که ما بازایش استقلال ایران است میکنند آنچه اقدامات بیفایده میکنند از حوصله این کتاب یش است همیتقدر مینویسم اگر کسی تاریخ بی شائبه آن ایام را بخواند و بر کارها و اقدامات کارکنان وقت که بیشتر از روی اغراض شخصی و دائره کوتاه نظری است نظر کند آنها را بیازی ساده کودکان بد اخلاق بیشتر تشبیه میکند تا بزفتاریک دولت و ملت دارای اساس مشروطه در مقابل اولتیماتوم چهل و هشت ساعته دشمن قوی پنجه روس و در مقابل چند هزار قشون اجنبی که وارد

خاك او شده و بی دربی زیاد گشته روبر کز میروند خلاصه مدت اولتیماتوم میگذرد و در تهران دل خود را خوش دارند که قشون روس در قزوین مانده وارد تهران نمیشود در صورتیکه توقف قشون در قزوین اولاً صلاح خود روسها است و شاید انگلیسیان رأی نداده اند که قشون بتهران وارد گردد بهر صورت روسها مجدداً اطلاع میدهند که اگر فوراً جواب ندهید مادر آذربایجان و گیلان و قزوین مداخله خواهیم کرد و ولتین از یکطرف نمیخواهند شستر را معزول کنند مشروطه خواهان هم بعزل او راضی نمیشوند و از طرفی تقاضای دوم را که نظارت بامر مستخدمین خارجه باشد بیشتر از عزل شستر مضر باستقلال مملکت میبینند و احتمال میدهند اگر شستر را عزل کنند روسها در باب شرط دوم ملایمت نموده با يك ظاهر سازي مردم را راضی کنند که لطمهئی باستقلالشان نخورده است خلاصه هر چه بیشتر معطل میکنند کار سخت تر میشود بالاخره دولتیان میبینند با وجود اختلافات فرقه بازی در مجلس ممکن نیست بتوانند جوابی بروس بدهند ناچار نایب السلطنه مجلس را منفصل کرده حکومت را در تهران نظامی مینماید و در يك وقت بسیار تنگ که تا يك اندازه روسها شروع بمداخله کردن در تبریز ورشت کرده اند جواب اولتیماتوم را داده تمام فصول آنرا میپذیرند و استقلال چند هزار ساله ایران قربانی غرظهای شخصی چند نفر وکیل و وزیر جاهل مغرض از هر فرقه میشود خوب آیا بعد از این قربانی عظیم که تا ابد از خاطر هیچ ایرانی ایرانی - نژاد محو نخواهد شد روسها آرام گرفتند و قشون خود را پس کشیدند و دست از مداخله برداشتند نه بلکه برفتن شستر فی الجمله انتظامی هم که در امر مالیه بود برهم خورد نفوذ روس در دوائر دولتی زیادتر شد بقبول شرط دوم مستخدمین اجنبی که از قدیم بوده اند و تازه آمده اند همه حساب کار خود را کردند و دانستند باید مطیع کجا باشید این حال در بار شکست خورده حالا نظر کنیم بشمال مملکت روسها در اوایل محرم یکهزار و سیصد و سی ۱۳۳۰ در رشت و تبریز مداخله کرده اسلحه را از دست مجاهدین و قشون دولت میگیرند در رشت يك مصادمه مختصری میشود و ایرانیان تسلیم میگردند ولی در تبریز مجاهدین غیور ایستادگی کرده عاقبت کار وخیم میشود. اینجا باید مختصری از اوضاع عمومی آذربایجان در این ایام بنویسم

باید دانست آن قشونی که از روس مدت کمی پیش از خلع محمد علی میرزا بعنوان در آوردن شهر تبریز از محاصره دولت و رساندن آذوقه بآذربایجان وارد شد دیگر بازگشت نکرد و در واقع از ابتدای دولت جدید آذربایجان بلکه خراسان و گیلان هم تا يك اندازه چنانکه از پیش گفته شد بقشون روس مشغول بود در موقع ورود ناصر-الملك بتهران و استقرار او بکرسی نیابت سلطنت روسها صلاح دیدند اظهار خصوصیتی موقتاً با دولت ایران نکنند این بود قشونی که در قزوین ساکن و داشتند بردند و روزنامه‌های زبان دزبار روس نوشتند ما قشون خود را از قزوین بردیم ولی اگر ایرانیان بتکلیف خود رفتار نکردند دولت روس دیگر نمیتواند للکی از يك طفل هزار ساله بکند از این عنوان معلوم بود روسها در يك خیال بزرگتری هستند و این اقدام جزئی را بمصلحت کرده اند خلاصه تبریز مدتی آرام بود مهدیقلیخان مخبرالسلطنه والی آذربایجان بملایمت و استقامت رفتار میکرد در موقع یانگیگری رحیم خان چلیانلو و شاهسونها و فتنه اردبیل که بیشتر بتحریر روس بود چون دولت قدرت بخرج داده آن فتنه ها را چنانکه نوشته شد خوابانید اشرار آن طرف را مجازات داده جمعی از خوانین آنها را بتهران آورده محبوس ساخت آذربایجان ظاهراً آرام شد ولی حق دولت بود که يك قشون ساخلوی قابلی بعد این فتح مقیم آن سامان کند و نکرد این بود که ماده های فساد دوباره در آنجا جمع شده رحیمخان که بخاک روسیه پناه برده بود برگشت و بنای یانگیگری را گذارد صمدخان سرکشی کرد شاهسونها بهیجان آمدند هواخواهان محمدعلیمیرزا یعنی مستبدین قدیم که رئیس روحانی آنها حاج میرزا حسن مجتهد تبریز بود منقور ملت شده در پناه روسها زندگانی سخت و مخفیانه میکردند سر بر آوردند روسها هم دائماً مشغول تحریکات بودند و بحکومت مخبرالسلطنه رضایت نداشتند و از دولت عزل او را تقاضا میکردند ولی مردم آذربایجان مخبرالسلطنه را میخواستند و راضی نمیشدند او معزول شود دولت هم ملاحظه رضای مردم را میکرد این کار هم مخالف میل روسها و مستبدین بود در خلال این احوال بازی اعتدال و انقلاب هم در آذربایجان قوت گرفت و ملتیان آنجا مانند تهران بجان یکدیگر افتادند یکدسته بامخبرالسلطنه شدند و یکدسته برضد او و این اختلاف کلمه بهتر و وسیله‌ئی

بود برای اجرای مقاصد مستبدین و روسها و تکمیل شد اختلافات ملی باینکه آقاسید حسن تقی زاده بشرحی که سابق نوشته‌ایم از تهران خارج شده در تبریز اقامت کرد و بعضی از وکلای تبریز که با او همراهی بودند از قبیل شیخ اسماعیل نوبری نیز تهران را ترك گفته تبریز رفته مشغول دسته‌بندی شدند این کار هم برضعف ملتیان افزود در این احوال حکومت یکی از مستبدین معروف (رشیدالملک) را بتدبیر گرفته درحسب نگاهداشت روسها دیدند حیف است يك دست قوی آنها درحسب بماند خودسرانه بدارالحکومه ریخته او را خلاص کرده آزاد نمودند و این اول دفعه است که قشون روس مستقیماً در کار حکومت دخالت مینماید صمدخان هم بعد از این واقعه جداً بضدیت با ملت قیام کرد دولت هم مخبر السلطنه را معزول کرد و دیگر نتوانست والی بجای او بفرستد چونکه اختلافات فرقه در تبریز و تهران نمیگذارد حاکم برای آذربایجان تعیین شود و هر فرقه میخواهند حاکمی که با آنها همراه باشد داشته باشند فرقه ده و کرات نظر بموافقتی که با عین الدوله عبدالحمید میرزا کرده بودند با وجود سابقه های تاریک که در محاصره تبریز از طرف دولت محمدعلیمیرزا داشت میخواستند او را بحکومت آذربایجان انتخاب کنند يك دسته بزرگ از مردم راضی نبودند و روسها هم نمیخواستند چون از طرف فرقه دموکرات تصویب شده بود يك فرقه عبدالحسین میرزای فرمانفرما را در نظر داشتند و دموکراتها باین نظر ضدیت مینمودند بهر صورت ششماه در این کشمکشها مملکت آذربایجان بی والی ماند گاهی نامزد عین الدوله میشد ولی امروز و فردا میکرد و نمیرفت گاهی نامزد فرمانفرما میشد و بالاخره او رفت اما در نواحی قزوین مانده خود را با آذربایجان نرسانید چونکه خبرهای موحش آذربایجان از تصرفات روس و مستبدین با اجازه نمیداد که بی استعداد کافی روانه شود دولت هم استعدادی نداشت باو بدهد و نمیتوانست با روسها ضدیت نماید در این مدت شاهزاده امان الله میرزا که يك وقت در قزاقخانه صاحب منصب بود و بعد از آن اداره خارج شده از طرف دولت رئیس قشون آذربایجان گردید کار حکومت را مینمود انجمن ملی دائر و در زیر فشار اختلاف دو فرقه امرا وقت میکرد در این حال صمد خان بتحریر روسها جمعیت خود را نزدیک تبریز آورد و مکرر بشهر حمله کرد مجاهدین جلو گیری

اقامت سویس وفضایای ایران

کرده نگذارند وارد شود اوهم در قتل و غارت اطراف کوتاهی نمیکرد وهمه وقت شهر را تهدید مینمود قصه تأخیر جواب اولتیماتوم روس در تهران بهانه بروسها داده چند هزار قشون وارد آذربایجان کرده بر عده آنها که آنجا بودند میافزایند البته مأمورین روس در تبریز خوب میدانند اشخاص مخالف با آنها کیانند و سردسته آنها چه کسان قشون روس که بتبریز رسید بنای مداخله را گذارد و خواست صمدخان را وارد شهر و مجاهدین را مقهور او کند یعنی خواست مشروطه خواهان تبریز را تسلیم مستبدین نماید مجاهدین تمکین نکردند و مابین آنها و قشون روس جنگ در گرفت چون قشون روس در این شهر سابقه تاریخی موحشی دارد که در آن تاریخ چون داخل تبریز شدند مردم در کشتن و مفقود کردن آنها بهر وسیله بود کوتاهی نکردند در اینموقع یا مردم در نظر داشتند آن قصه تاریخی را تجدید نمایند و با آنکه روسها ترس داشتند آن قصه تجدید شود این بود که سخت ایستادگی کردند چند روز جنگ در گیر بود از طرفین جمعی کشته شدند یک دفعه هم بروسها شکست وارد ساختند ولی معلوم است یک عده مجاهد در جنگ با چند هزار قشون مرتب قوی روس تا یک اندازه تاب مقاومت دارد از آن اندازه که گذشت مجاهدین متفرق میشوند .

فصل بیست و سوم

وقایع جانگداز تبریز و اقدامات در خارج

اواسط دهه عاشورا یکهزار و سیصد و سی (۱۳۳۰ هـ) قشون وحشی روس وارد تبریز شده بنای قتل و غارت را میگذارد حتی از کشتن زن و بچه هم دریغ نمیکنند قشون روس در تبریز انواع وحشیگری را نموده میگویند قشون امپراطوری غضبناک شده است بالاخره عنوان میکنند ما در این حادثه دولت ایران را مسئول نمیدانیم و خودمان مؤسسين و مظلونين را محاکمه نظامی کرده مجازات میدهیم بدیبي است در اینحال اینک قشون روس مستبدین همان شهر خواهند بود که چندسال است از طرف ملتیان در فشار بوده آواره و مخدول بوده اند در اینصورت مؤسسين و مظلونين وطنخواهان و اشخاص باوجدان میشوند مجلس محاکمه مشئوم روس در تبریز پس از کشتار بسیار که کردند دائر شد و جمعی از بزرگان و رؤسای مشروطه خواه را از روحانیان و از جوانان تحصیل کرده باوجدان و از صاحبان افکار جدید بدار زدند و بخیال خود چراغ احساسات تازه را در آذربایجان خاموش کردند. قشون روس در روز عاشورا دهم محرم یکهزار و سیصد و سی ۱۳۳۰ بزرگترین اشخاص و وطن دوست ترین روحانیان تبریز نفقه الاسلام را جزو مقصرین بدار زد و خواست قدرت خود را بملت ایران نشان داده بگوید در بزرگتر روز مذهبی و میان متعصب ترین مردم ایران میشود بزرگترین روحانیان را علناً کشت و کسی نتواند نفس بکشد بلی کردند آنچه خواستند و در حقیقت این اشخاص بدست مستبدین داخلی کشته شدند که چون اندک پروبال یافتند خواستند تلافی کرده باشند آنچه را مشروطه خواهان بعد از فتح تهران کردند که شیخ فضل الله نوری و میر هاشم تبریزی و غیره را کشتند بهر صورت بعد از این روز باز جمعی از مشروطه خواهان را گرفتند و کشتند و شهر تبریز بلکه آذربایجان و بلکه تمام شمال ایران تا اطراف تهران در زیر اشغال قشون روس در آمد در اینوقت که من این شرح